**مهريّه:**

**تحقّق ازدواج معلّق به اداء مهر است**

**حضرت بهاءالله:**

1 – " لا يحقّق الصّهار إلاّ بالأمهار قد قدّر للمدن تسعة عشر مثقالا من الذّهب الإبريز وللقرى من الفضّة ومن أراد الزّيادة حرّم عليه أن يتجاوز عن خمسة وتسعين مثقالا كذلك كان الأمر بالعزّ مسطورا  والّذي اقتنع بالدّرجة الأولى خير له في الكتاب إنّه يغني من يشآء بأسباب السّموات والأرض وكان الله على كلّ شيء قديرا " (كتاب اقدس – بند 66)

2 – " سؤال : از مهر.

جواب : در مهر اقتناع به درجه اولی مقصود از آن ١٩ مثقال نقره است " (رساله سؤال و جواب، 26)

3 – " سؤال : در مهر ورقات هر گاه نقد و دفعة واحده نباشد به عنوان قبض مجلس رد شود و دست به دست شود و بعد از امکان به ضلع رد نمايد چگونه است.

جواب : اذن به اين فقره از مصدر امر صادر " (رساله سؤال و جواب، 39)

3 – " سؤال : در مهر اهل قری که فضّه تعيين شده به اعتبار زوج است يا زوجه و يا هر دو و در صورت اختلاف که يکی شهری و ديگری از قری باشد چه بايد کرد.

جواب : مهر به اعتبار زوج است اگر از اهل مدن است ذهب و اگر از اهل قری است فضّه " (رساله سؤال و جواب، 87)

4 – " سؤال : ميزان شهری و دهاتی به چه حد است. هر گاه شهری هجرت به ده نمايد و يا دهاتی هجرت به شهر کند و قصد توطّن نمايد حکمش چگونه است. و کذلک محلّ تولّد ميزان است يا نه.

جواب : ميزان توطّن است هر جا وطن نمايد مطابق حکم کتاب رفتار شود " (رساله سؤال و جواب، 88)



**بیت العدل:**

1 – " موارد عمده مربوط به پرداخت مهريّه در جزوه \*(تلخيص و تدوين حدود و احکام)\* ، قسمت د ، ١-١٠-١-٣ تا ٥-١٠-١-٣ خلاصه شده . حکم مهريّه و جزئيّات آن در کتاب مبارک بيان نازل شده است . مهريّه بايد از طرف داماد به عروس پرداخت گردد . ميزان آن برای اهل مدن نوزده مثقال طلای خالص و برای اهل قری نوزده مثقال نقره است (يادداشت شماره ٩٤). حضرت بهاءاللّه می فرمايند که اگر در هنگام عقد داماد قادر نباشد که مهريّه را تماماً به عروس ادا کند ، مأذون است قبض مجلس رد نمايد (سؤال و جواب ، فقره . (٣٩با ظهور جمال مبارک بسياری از عقايد و آداب و رسوم متداوله من جمله مسئله مهريّه تغيير يافته و معانی جديدی به خود گرفته است . پرداخت مهريّه از عادات کهنه در بين بسياری از جوامع و فرهنگها است که به اطوار مختلفه اجرا می شود . در بعضی ممالک مهريّه از طرف پدر و مادر عروس به داماد پرداخت می گردد ، در بعضی ممالک ديگر مهريّه را داماد به پدر و مادر عروس می پردازد ، که آنرا "شير بها" می گويند . در هر دو حال مبلغ پرداختی معمولاً معتنابه است . حکم جمال قدم اين رسوم متنوّعه را از ميان برداشته و مهريّه را به عنوان رمزی يعنی هديه‌ای با ارزش محدود و معيّن مقرّر فرموده که از طرف داماد به عروس تسليم ميگردد " (كتاب اقدس – شرح 93)

2 – " حضرت بهاءاللّه می فرمايند که تعيين ميزان مهريّه به اعتبار توطّن زوج است نه زوجه (سؤال و جواب ، فقره ٨٧ و ٨٨) " (كتاب اقدس – شرح 94)

3 – " در پاسخ به سؤالی در باره مهريّه حضرت بهاءاللّه می فرمايند : و در مهر هم آنچه در بيان نازل شده مجری است و ممضی. ولکن در کتاب اقدس ذکر درجه اولی شده و مقصود نوزده مثقال نقره است که در باره اهل قری در بيان نازل شده و اين احب است عنداللّه اگر طرفين قبول نمايند که مقصود رفاهيّت کل و وصلت و اتّحاد ناس است . لذا هر چه در اين امورات مدارا شود احسن است ... بايد اهل بهاء با کمال محبّت و صفا با يکديگر معامله و معاشرت نمايند و در فکر منافع عموم باشند خاصّةً دوستان حقّ . حضرت عبدالبهاء در لوحی به طور اختصار بعضی از عواملی را که بايد برای تعيين ميزان مهريّه منظور شود بيان فرموده‌اند . واحد مذکور در لوح ذيل جهت پرداخت مهريّه معادل است با نوزده مثقال . چنانچه می فرمايند : اهل مدن بايد طلا بدهند و اهل قری فضّه . و اين بسته به اقتدار زوج است . اگر فقير است يک واحد می دهد و اگر اندک سرمايه دارد دو واحد می دهد . اگر با سر و سامان است سه واحد می دهد ، اگر از اهل غنا است چهار واحد می دهد و اگر در نهايت ثروت است پنج واحد می دهد . فی الحقيقه بسته به اتّفاق ميان زوج و زوجه و ابوين است . هر نوع در ميان اتّفاق حاصل شود مجری گردد . در همين لوح مبارک حضرت عبدالبهاء اهل بهاء را توصيه می فرمايند که اسئله خويش را در باره اجرای اين حکم به بيت العدل اعظم ارجاع نمايند . چنانچه می فرمايند: اين احکام فی الحقيقه راجع به بيت العدل عمومی است که شارع است ... احکام و تفرّعاتی که در کتاب اللّه مصرّح نيست بيت عدل تشريع نمايد " (كتاب اقدس – شرح 95)

****